

امیدها و تردیدهای ایرانیان

پس از صدام

محمد رضا جلیلی

برگردان: حسین سپهر

دارد می‌تواند به ایفای نقش مهمی در عراق

جدید امیدوار باشد. با این وجود، تناقض دیگری در این میان به چشم می‌خورد و آن اینکه، تشیع عراق که پیوسته با دعوت قبول رهبری صحنه سیاسی عراق از سوی گروه‌های مختلف روبه‌رو است، تمایلی به الهام گرفتن از مدل حکومت ایران ندارد. از طرف دیگر عمل‌گرایی رهبران سیاسی - مذهبی شیعه‌ی عراق و تمایل مراکز بزرگ دینی در این کشور به اتخاذ گرایش بسیار

درآمد

نتایج مداخله نظامی آمریکا در عراق، برای ایران بی‌نهایت متناقض می‌نماید. از اوایل ژانویه ۲۰۰۲ که عراق از سوی جرج بوش جزو «محور شرارت»^۱ معرفی شد، این کشور خود را در محاصره نیروهای آمریکایی یافت - که قبلاً در افغانستان، خلیج فارس، آسیای مرکزی، گرجستان و ترکیه حضور داشتند - و هم‌زمان با آن، ایالات متحده، ایران را از شر یکی از شرورترین دشمنانش یعنی صدام حسین رهایی بخشید. علاوه بر اینها، سقوط رژیم بعث در عراق، امکانات عملی‌نویسی برای ایران به‌ارمغان آورد. در واقع، ایران با آگاهی به ارتباط تنگاتنگی که میان روحانیون شیعه‌ی ایران و عراق وجود

*. Mohammad - Reza Djalili, "L'après - Saddam: espèrances et incertitudes iraniennes", *Politique Etrangère*, N 3-4, 2003, pp. 567-582.
1. L'axe du Mal

کشوری، حتی اعراب، از تأثیر مشابه تأثیر ایران در عراق نمی‌توانند بهره‌مند شوند.» قطعاً ایران نگران «تعادل جدیدی»^۳ در عراق و منطقه است، هر چند این تعادل مشروط به حضور نظامی

آمریکا و خطر دائمی شدن این حضور می‌باشد. شاهد آن چنان قدرت عملی نزد همسایه خود (عراق) می‌باشد که هیچ کشوری در منطقه از آن برخوردار نیست. توانایی ایران برای اداره این موقعیت متناقض که از یک سو با به دست آوردن ابتکار عمل در کشوری که منافع اساسی او در آن نهفته است و از طرف دیگر با ظهور تهدیدی نوین از سوی همین کشور همراه است تماماً به آینده‌ی تحولات ایران بستگی دارد.

۱- همسایگی دشوار

به هم پیوستگی سرنوشت دو کشور ایران و عراق، با پیوند پاره‌ای از عوامل جغرافیایی، تاریخی، مذهبی و سیاسی توجیه‌پذیر می‌نماید. مرز مشترک ایران و عراق ۱۴۵۸ کیلومتر است که ۴۰ درصد از ۳۶۵۰ کیلومتر مرز بین‌المللی عراق را تشکیل می‌دهد. این خط مرزی، طولانی‌ترین مرز بین‌المللی عراق، و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، طولانی‌ترین مرز زمینی ایران نیز می‌باشد. اهمیت این خط مرزی، نه در ابعاد آن بلکه در این نکته نهفته است که این خط، یک مرزبندی و تعیین حدود

سنتی در رابطه با مذهب می‌تواند برای جمهوری اسلامی، که شاهد مناقشات و بحث‌های گوناگون در درون خود می‌باشد، مشکلات تازه‌ای به وجود آورد.

دخالت نظامی آمریکا، سرنگونی صدام حسین و حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق، برای ایران، به طور هم‌زمان، هم سبب رضایت و هم منبع نگرانی و دلهره است. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، این وقایع تأثیرات مثبتی به جا می‌گذارد از این نظر که می‌تواند در بلندمدت مشکلاتی به وجود آورند که حکومت اسلامی به سختی می‌تواند به سلامت از آن بگذرد و بدین ترتیب به روند ایجاد تغییرات عمیقی که آرزوی اکثریت مردم ایران است سرعت می‌بخشد. عده‌ای نیز برعکس در این تحولات، علایم هشداردهنده‌ای می‌بینند که می‌تواند فردایی دشوارتر و افزایش قدرت عمل تازه‌ای برای اقلیت روحانیون حاکم در تهران به ارمغان بیاورد. اگر چه نتایج تغییر رژیم در عراق از نقطه نظرهای متفاوتی ارزیابی شده‌اند. اما در عوض جملگی بر این نظر مشترک، پای می‌فشارند که در میان ۶ کشور همسایه عراق، ایران، بیشتر از هر کشوری تحت تأثیر تغییرات صورت گرفته در عراق، از جانب مرزهای غربی خود می‌باشد.

اما آنچه موفقیت ایران را از دیگر کشورها متمایز می‌سازد، همان‌گونه که «پی‌یر-ژان لوییزار»^۲ اشاره می‌کند؛ این است که «هیچ

2. Pierre - Jean Luizard
3. La Nouvelle e'quation

بین جلگه‌ی بین‌النهرین و فلات ایران است. به بیانی میان جهان عرب با جهان فارس (ایرانی)، همچنین امپراطوری عثمانی دیروز را از امپراطوری ایران جدا می‌کرد. در زمان این دو امپراطوری و در طی دو قرن، رقابت میان عثمانیهای سنی و ایرانیان شیعه، به سبب نفوذ مکانهای مقدس شیعی واقع در شهرهای بین‌النهرین وجود داشت. نقشه مرزی کنونی بین ایران و عراق از بسیاری جهات، نتیجه تغییر موازنه‌ی قدرت میان دو امپراطوری مسلمان «ما قبل مدرن»^۴ می‌باشد. اما این تعادل همیشه پایدار و برقرار نبوده است. مهم‌ترین مکانهای مقدس شیعیان واقع در عراق، زائران متعددی را از ایران جذب می‌کردند. بسیاری از ایرانیان در عراق مستقر شده و به تدریج با مردم آن سرزمین تلفیق و ادغام شدند. روحانیون شیعه ایرانی‌الاصل در آنجا همیشه فعال بودند. در نواحی شمال مرز دو کشور، کردهای ایران در ارتباط دائم با کردهای آن سوی مرز بودند و شط‌العرب (اروند رود) نمی‌توانست مانعی جدی بر سر راه ارتباط دو کشور باشد.

بعد از استقلال عراق در سال ۱۹۳۲، بغداد اغلب به ندرت، دارای روابط عادی با تهران بوده است. در روابط این دو کشور اغلب مناقشه، تنش، درگیریهای مرزی، از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۵ به چشم می‌خورد. هر دو کشور اگر فرصتی در اختیار داشتند مخالفان و دگراندیشان یکدیگر را محترم شمرده و به آنها پناه داده‌اند.

این سنت همواره ادامه داشته و حتی در دهه گذشته گسترش یافته است. تنها بعد از ۱۹۷۵ و به دنبال امضای توافقنامه‌ی الجزایر - که به اختلافات مرزی دو کشور پایان داد - دوره‌ای کوتاه از آرامش بر روابط دو کشور حاکم گشت. پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، علی‌رغم اینکه آیت‌الله خمینی، مدت پانزده سال در عراق به سر برده بود. - شاید بدین دلیل - روابط دو کشور به سرعت به وخامت گرایید. اگر در زمان شاه، هر دو کشور ایران و عراق موفق شده بودند - علی‌رغم اختلافاتشان - از درگیری مستقیم نظامی پرهیز کنند؛ اوضاع برای دولت جدید ایران که از نظر تئوریک، غرب‌ستیز و همچون رژیم بعث عراق انقلابی بود، به گونه‌ای دیگر رقم خورد. در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، صدام حسین به نیروهایش دستور حمله نظامی به ایران را صادر کرد و این آغاز جنگی بود که هشت سال طول کشید. چند صد هزار کشته و خسارات مالی بالغ بر صدها میلیارد دلار بر جای گذاشت. با اینکه مسئول این جنگ و دومین جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۰ نیز کسی جز صدام حسین نبود؛ ج.ا. ایران هم که با تحریکات و طولانی کردن جنگ از ۱۹۸۲ به بعد توانسته بود تمامیت ارضی خود را به دست آورد، کمتر از او مسئول نیست.

به جز این دلایل، می‌توان جنگ را نتیجه

عواملی همچون، درگیری و اختلافات مرزی بسیار به ویژه بر سر مسئله ی اروندرود، اختلافات ایدئولوژیکی و مناقشه بر سر ساکنان ایرانی الاصل مقیم در شهرهای مقدس عراق که دائماً از آنجا اخراج می شدند و مسئله ی اکراد و اختلاف نظر راجع به خلیج فارس نام برد.

یکی از نتایج غیر مستقیم جنگ ایران و عراق، برنامه هسته ای ایران و از سرگیری آن است. بعد از انقلاب، این برنامه همانند آنچه

یادآور سیاستهای شاه بود به حال خود رها شد. بعدها به دلیل جنگ و وضعیت خاص که از

آسیب پذیری منابع انرژی ایران ناشی می شد - به واسطه ی بمباران تأسیسات نفتی ایران که

اکثر آن در مجاورت مرزهای عراق واقع شده بود - برنامه هسته ای از سال ۱۹۸۴ دوباره از

سرگرفته شده و تهران همکاریهای خود را در این زمینه ابتدا با روسیه و سپس با چند کشور

دیگر از جمله چین، کره ی شمالی و پاکستان گسترش داد. اما امکان تصور سناریوی دیگری

نیز برای تشریح از سرگیری برنامه هسته ای ایران ممکن به نظر می رسید. در واقع ایران با

آگاهی به انزوای سیاسی تحمیل شده از سوی دنیا و علی رغم مسئولیت آشکار عراق در قبال

شروع جنگ، مجبور به قبول این نکته شد که در زمینه دستیابی به منابع تسلیحاتی غیر اتمی،

به هیچ عنوان قادر به رقابت با همسایه خود (عراق) و نه حتی با هیچ یک از کشورهای

بزرگ همسایه (اسرائیل، عربستان سعودی و

ترکیه) نیست. بنابراین ضرورت ایجاب می کرد با بررسی جبران این کمبود به فکر دستیابی به نوعی دیگر از تسلیحات باشد. (که مجاز شمرده می شود) و پس از پایان جنگ با عراق، برنامه هسته ای دشوار و طولانی ایران پی گیری شد به گونه ای که امروزه به یکی از موضوعات عمده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

۲- پیچیدگی از نوع ایرانی^۵

براساس همین پیش زمینه است که دخالت آمریکا در عراق و خلع صدام حسین قابل توضیح

است. واکنش مقامات سیاسی تهران در قبال دگرگونی بزرگ ژئوپلیتیک در منطقه بغرنج تر

از آن است که - دو سال پیش از این - می بایستی شاهد استقرار نیروهای آمریکایی در افغانستان

بوده باشند. اینکه ایران شروع به برقراری روابط گسترده با همسایگانش کرد برای تکمیل

و پاسخ به سناریوی ژانویه ۲۰۰۲ جرج دبلیو بوش بود که ایران را همچون کره شمالی و عراق

جزو محور شرارت توصیف کرد. دشواری اتخاذ موضع ایران در مقابل این حوادث عموماً به

«دوگانگی سنتی»^۶ در عرصه سیاست خارجی این کشور (پرخاشگری لفظی و در عین حال

رفتاری) و کارکرد قدرت در آن بر می گردد که استمرار یا تداوم حیات سیاسی در این کشور

5. Complexite' Irlandienne

6. La dualite' Traditionnelle

است. حوادث عراق سرانجام زمانی روی داد که موقعیت داخلی ایران دشوار و ارکان نظام جمهوری اسلامی با عدم پذیرش جامعه جهانی مواجه بود و هر روز بر تعداد این کشورها افزوده می شد. بنابراین حول همین ملاحظات متناقض بود که سیاست ایران در قبال تحولات عراق شکل گرفت.

برای کسانی که قدرت تصمیم گیری داشتند، تئوریزه کردن چنین سیاستی نمی توانست بدون توجه به دو مشخصه اجتناب ناپذیر به نتیجه برسد. در درجه اول، نباید این نکته را از نظر دور داشت که به مدت حداقل دو قرن هیچ رهبر سیاسی خارجی به اندازه ی صدام حسین مردم ایران را عذاب نداده است. اگر چه برخی اسلام گرایان رادیکال در رأس قدرت، در ایران امروز اهمیت احساسات ملی را با تأکید بر پیوندهای مذهبی بین دو کشور نادیده می گیرند. اما کاملاً واضح است که ایرانیان همچون ملل دیگر جهان، نمی توانند کشته های بی شمار جنگ، معلولین، خانواده های داغدار، صنایع ویران شده، جاده ها، مدارس و بیمارستانهای تخریب شده توسط رژیم که ۱۵ سال پس از اعلام آتش بس، زندانیان جنگی در اسارت خود داشت را فراموش کنند. رژیمی که تعهدات خود را نقض می کرد و هیچگاه به فکر پرداخت کوچکترین غرامتی به کشور همسایه خود نبوده است. در این شرایط جای تعجب نیست که بسیاری از ایرانیان (صدمه دیده از جنگ) از

نابودی رژیم صدام حسین خوشحال باشند و در همان حال که نسبت به مردم عراق به عنوان اولین قربانیان دیکتاتور بغداد احساس همدلی و همدردی می کنند، در رابطه با سیاست آمریکادر قبال ایران نگاه انتقادی خود را حفظ می کنند.

جنبه و بُعد دیگری که نباید از آن غافل شد

این است که با نابودی رژیم صدام حسین، یکی

از خطرناک ترین تهدیدهای استراتژیک برای

ایران نیز از بین رفت. قدرت نظامی رژیم بعث

با سلاحهای کشتار جمعی یا بدون آن،

قبل از هر چیزی برای همسایگانش از جمله

ایران خطرناک بود. اگر در طی سالهای ۱۹۸۰،

بغداد در به کارگیری سلاحهای شیمیایی علیه

مردم ایران تردید نکرد هیچ چیز نمی تواند ثابت

کند که در بروز یک رویارویی نظامی تازه در

منطقه دوباره از این بمبها استفاده نکند. البته در

سطح منطقه نیز، یک عراق از نظر نظامی

تضعیف شده، در عمل یک برد استراتژیک برای

ایران محسوب می شود. به طور کلی مشاهده ی

اینکه آمریکا در فاصله سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۲ دو

رژیم را که تهدیدهای واقعی برای ایران به حساب

می آمدند نابود کند (یعنی از جانب شرق: طالبان

ضد ایرانی و ضد شیعه بود و از طرف غرب

صدام حسین) مشکوک به نظر می رسد. سیاست

آمریکا اگر چه مخالف ج.ا.ایران است اما به

صورتی متضاد و متناقض در خدمت به منافع

ملی ایران عمل کرده است.

۳- دیدگاه قدرت^۷

بیشتر از ایران است، افزایش دهد. این وضعیت می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر بازار نفت و پایین آوردن قیمت دلار بگذارد. در این صورت، وضعیت ضعیف اقتصادی ایران، وخیم تر خواهد شد که این خود می‌تواند نتایج منفی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در پی داشته باشد. افزایش تدریجی ظرفیت تولید نفت عراق در بلندمدت تأثیر خود را با درحاشیه قرارداد ایران در بازار بین‌المللی نشان خواهد داد. به‌طور هم‌زمان، نبود سرمایه‌گذاری برای نوسازی تأسیسات و رشد مصرف داخلی این روند را افزایش خواهد داد. بدین ترتیب ایران در سالهای آینده، علی‌رغم پتانسیل بالای خود، با خطر قرار گرفتن در لیست کشورهای درجه دوم صادرکننده نفت مواجه خواهد شد.

هراس دیگر ایران این است که حکومت جدید عراق فدرالیسم را اختیار کرده که بر اساس آن استقلال و خودمختاری زیادی به اقوام ساکن عراق به‌ویژه اکراد می‌دهد. این اوضاع می‌تواند براقبیت کردهای ساکن ایران و مطالبات استقلال طلبانه‌ی آنان تأثیر بگذارد هر چند که تاریخچه و سابقه‌ی تاریخی و ملی این کشور بسیار متفاوت از عراق است. به‌طور کلی، تحولات اوضاع عراق پس از سقوط صدام حسین به تیرگی و خصومت بیشتری در روابط تهران و واشینگتن منجر شده است. بارها و بارها،

علی‌رغم نظرات و ارزیابیهای متفاوت و متنوع در درون حکومت اسلامی ایران در خصوص نتایج دخالت نظامی آمریکا در عراق مسئولان (رهبران اصلی) حکومت: آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله رفسنجانی و آقای خاتمی در بسیاری از جهات با هم اشتراک نظر دارند. دخالت و متعاقب آن حضور آمریکا در عراق، حلقه‌های محاصره‌ی ایران را کامل کرد. با حضور در جنوب کشور از ابتدای سالهای دهه ۹۰، آمریکا هم‌اکنون از جانب شرق در افغانستان و پاکستان و از جانب شمال در گرجستان و جمهوریهای استقلال یافته شوروی سابق مستقر است. از جانب غرب نیز ترکیه، عضو پیمان آتلانتیک شمالی و متحد نزدیک آمریکا و اسرائیل، بعد از مدتها میزبان نیروهای آمریکایی است. با حضور آمریکا در عراق، این حلقه تکمیل شد. این وضعیت نه تنها منجر به انزوای بیشتر جمهوری اسلامی، بلکه کاهش قابل توجه ابتکار و قدرت عمل ایران را نیز به همراه داشت و سرانجام آسیب‌پذیری و شکنندگی امنیت ایران را نیز موجب شد.

در حوزه‌ی اقتصاد، برداشتن تحریمهایی که بر تولید نفت عراق سنگینی می‌کرد و اقدام کشورهای نفتی غرب در بازسازی و نوکردن تأسیسات نفتی عراق توانسته ظرفیت تولید نفت عراق را که ذخیره‌ی ثابت آن امروز، حتی

مقامات آمریکایی ایران را به ایجاد آشوب و ناآرامی در کشورهای همسایه اش متهم کرده‌اند. اما از آغاز تابستان ۲۰۰۳، مسئله برنامه هسته‌ای ایران که مسئله مورد بحث و مناقشه ایران و آمریکا است به مشکلات مربوط به عراق افزوده است.

در واقع بدبینیها در مورد مسئله هسته‌ای ایران از زمانی آغاز شد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳ بیانیه‌ای منتشر ساخت که نشان می‌داد ایران در گزارش برخی فعالیت‌های هسته‌ای و نیز در مورد تجهیزات هسته‌ای که در اختیار دارد، قصور و کوتاهی کرده است. در پی آن، مناقشه و مباحثات با آمریکا، درباره‌ی برنامه هسته‌ای ایران شروع شد و کشورهای اروپایی همچون روسیه

علی‌رغم همکاری تنگاتنگ با ایران برای ساخت یک نیروگاه هسته‌ای در بوشهر، دیدگاه و مواضع خود را درباره این مسائل با آمریکا نزدیک و هماهنگ ساختند.

در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ آژانس، قطعنامه‌ای را علیه ایران صادر کرد که در آن از ایران می‌خواست، دسترسی نامحدود برای تمامی بازرسان و توضیح و شفاف‌سازی کلیه فعالیت‌های هسته‌ای را متعهد شود و به ایران متذکر می‌گردد که آژانس قطعاً رأی خود را در این مورد صادر خواهد کرد. در همان حال، آژانس، بدون تعیین زمانی مشخص، ایران را سریعاً به امضاء تصویب «بی قید و شرط»^۸ و

اجرای کامل پروتکل الحاقی به معاهده‌ی منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ملزم می‌سازد و بدون اطلاع قبلی، از تمامی سایت‌های هسته‌ای ایران بازرسی نماید. تهران با عصبانیت و تندى این قطعنامه رارد کرد و همکاری خود را با آژانس به آینده موکول کرد. این درحالی است که بسیاری از محافظه‌کاران داخل حکومت می‌خواهند ایران هیچ ضمانتی در رابطه با برنامه‌های هسته‌ای خود نپذیرد و اینکه ایران همانند کره‌ی شمالی از پیمان NPT خارج شود. در این شرایط، با اینکه ایرن انعطاف و نرمشهایی را در برابر مسائل عراق از خود نشان داد اما ایالات متحده به دلایلی بسیار مراقب اقدامات خود در کشورهای که در آنها نیروی نظامی مستقر کرده و نیز در سایر کشورهای جهان می‌باشد.

۴- گشایش فرصت؟^۹

قوی‌ترین اهرم ج.ا.ایران برای دخالت در امور عراق، مذهب تشیع است. تهران با آگاهی از این موضوع که ۶۰ درصد مردم عراق شیعه هستند مایل به استفاده از این برگ برنده به واسطه‌ی روابط سنتی ایجاد شده با شیعیان عراق است. سقوط صدام حسین، فرصتی برای ایران به وجود آورد که بدون شک در استفاده از این فرصت، نهایت تلاش خود را خواهد کرد. اما از یک سو، حمایت از شیعیان، تنها شامل همبستگی

8. Sans Condition

9. La Fenêtre d'opportunité'

اعتقادی و شبکه‌ای روحانیت برون مرزی نمی‌شود، این حمایت ملاحظات واقعی ژئوپلیتیک را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت بهتر تأسیس یک حکومت جمهوری اسلامی به سبک ایران در بغداد - که بسیار بعید به نظر می‌رسد - می‌تواند نقطه‌ی پایانی برانزوای ج.ا.ایران باشد. این موضوع بدون شک شبیه نگرش متعادل‌تر محمدباقر حکیم است که در یک حمله انتحاری در ۲۹ اوت ۲۰۰۳ در نجف به قتل رسید. حکیم اگر چه بارهبرن ایران در تماس بود اما به دنبال این نبود که آیت‌الله خمینی عراق باشد. کاملاً برعکس، با آگاهی از شانس تاریخی که برای شیعیان عراق فراهم شده است، او همکاری با نیروهای آمریکایی برای آماده کردن زمینه‌های دموکراتیزه کردن عراق را انتخاب کرده بود و آن را به نفع مردم و سرزمین عراق می‌دانست. با این وجود، اگر حضور یک جریان شیعی متعادل و قدرتمند در حکومت آینده‌ی عراق می‌تواند تمام مشکلات ایران را حل کند؛ اما این حضور، به همان میزان می‌تواند موجب نگرانی سنیهای عراق شود که سلطه‌ی تاریخی خود بر عراق را از دست خواهند داد و قدرتهای عرب سنی شبه جزیره عربستان را نیز با خطر، مواجه خواهد کرد. در این شرایط، حکومت و آینده عراق اگر با اکثریت شیعیان همراه باشد، بایستی احتیاط، آشتی و اتحاد را سرلوحه کار خود قرار دهد و این امر می‌تواند نقطه پایانی بر انزوای حکومت تهران و افزایش امنیت رژیم

شود، که تماماً حاکی از تأیید برتری این امر بر مجموعه‌ی جهان شیعه است. در همین حال، به احتمال فراوان شیعیان از نظر تعداد کرسیها موفقیت نسبتاً مهمی را در دولت آینده عراق در اختیار خواهند داشت. ایران تمایل دارد سازمانهای شیعه‌ای را که با آنها تماس و رابطه نزدیکی دارد نظیر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به قبول یک کرسی تصمیم‌گیری در صحنه سیاسی آینده عراق، دعوت کند. بنابراین تهران، اهرم فشاری در حکومت آینده عراق را خواهد داشت چنانچه اگر نیروهای آمریکا قصد باقی ماندن در عراق را داشته باشند، ایران در مقابله با آمریکا نیز می‌تواند از این اهرم فشار استفاده کند. حتی به فرض حذف و برکناری شیعیان از قدرت آینده عراق، یک جریان شیعی مستحکم و تقویت شده به ایران توانایی بسیاری در ایجاد چالش علیه آمریکا خواهد داد. به علاوه ایران می‌تواند از تسلط روحانیون شیعه‌ای که حتی مخالف نظریه‌ی ولایت فقیه هستند، بر شهرهای مذهبی عراق جلوگیری کند.

این مسئله و دغدغه خاطر برای ایران دارای اهمیت فراوانی است چرا که تولد دوباره نجف به عنوان اولین شهر مقدس شیعیان میانه‌رو، در مقابل قم که از سال ۶۹ یکی از مراکز اصلی شیعیان بوده، تهدیدی واقعی برای خود به حساب می‌آورد. امکان انتقال مرکز بزرگ مذهب شیعه به مکان اصلی خود در عراق، می‌تواند در درازمدت از تأثیر و نفوذ ایران بکاهد

و به ظهور حوزه‌های علمیه‌ی مستقل از حکومت و شیعه‌ی نوین و عموماً غیرسیاسی مساعدت نماید.

به نظرمی رسد حساب بازکردن روی شیعیان عراق، برای ایران بسیار خطرناک باشد. تهران می‌تواند هدف انتقادات و حملات واشینگتن قرار گیرد که مطمئناً به دنبال برقراری حکومتی که تابع جمهوری اسلامی باشد نیست. یقیناً اگر ایالات متحده، قصد روی کار آوردن حکومتی خاص در عراق را داشته باشد نمی‌تواند در مقابل خواست اکثریت مردم عراق مانع ایجاد کند. با چنین منطقی، شیعیان، جایگاه مهمی در قدرت جدید عراق کسب خواهند کرد امام‌ذهبی افراطی نبوده و حتی کمتر مدافع حکومتی دینی خواهند بود.

این «آمریکا دوستی»^{۱۳} برخی از ایرانیان، تهران را نگران می‌کند. بهزاد نبوی، انقلابی سالهای ۵۷ و مشاور نزدیک خاتمی، در مصاحبه‌ای با «صدای مردم» که دخالت آمریکا جهت تغییر حکومت در ایران را به بحث می‌کشد، می‌گوید: «اینکه مردم، حمله خارجی برای براندازی رژیم اسلامی را ترجیح می‌دهند، نشانه‌ی شکست ماست. ما نتوانستیم آرزوهای دموکراتیک مردم را تحقق بخشیم و طبیعی است که مردم هم ناامید و دلسرد شوند.» و اضافه می‌کند «اگر قبول کنیم که عراقیها از سقوط صدام حسین خوشحال هستند باید به این فکر باشیم که شاید اینجا هم، ایرانیان، سقوط جمهوری اسلامی را جشن بگیرند.»

۵- آرزوهای مردمی^{۱۰} ایران بی‌تردید کشوری است که شاهد ضعیف‌ترین واکنش مردمی در مقابل جنگ، عراق و افغانستان بود. این مسئله، تمایل به جنگ‌افروزی مردم را اثبات نمی‌کند. اما بسیاری از ایرانیانی که از دست حکومت ناراحت هستند و تمامی امیدشان را به اصلاحاتی که خاتمی و دوستانش به مردم وعده داده بودند از دست داده‌اند؛ امیدوارند که بعد از افغانستان و عراق، نوبت به آزادسازی ایران از جنگ «دیکتاتوری ملاحا»^{۱۱} برسد. یک نوع همراهی و همگامی با آمریکا در طرد و دفع سیستم سیاسی ج.ا.ایران در میان اقشار مختلف مردم گسترش

«خستگی و بی‌صبوری»^{۱۴} برخی ایرانیان. کاملاً محسوس است. یک ماه قبل از شروع جنگ عراق، تنها ۱۲ درصد واجدین شرایط در انتخابات شورای شهر تهران شرکت کردند که این خود شکست قطعی جنبش اصلاح طلبی و

10. L'Espoirs Populaires

11. La Dictature des Mollahs

12. Le Bushisme

13. Pro - Amricanisme

14. Le ras - bol

نمایانگر بحران مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی است. اعتراضات دانشجویی در ژوئن ۲۰۰۳ به طور آشکار منعکس کننده نظرات مردم ایران و ترجمان بی اعتباری جریان اصلاح طلب نزد جوانانی است که چند سال قبل به صورتی فراگیر و گسترده از خاتمی حمایت کرده بودند. به خاطر همین آسیب پذیری از داخل است که حکومت باید اداره شرایط ژئوپلیتیکی را که می تواند موجب غافلگیری و حوادث غیر منتظره شود، مدنظر داشته باشد.

برخی از ایرانیان که فکرمی کنند هر حکومتی که در عراق بر سر کار آید بدتر از حکومت صدام حسین نخواهد بود اما به فرض اینکه حکومت جدید، آن طور که آمریکاییها وعده می دهند، اساساً دموکراتیک نخواهد بود، باز هم تأثیر مثبت بر ایران خواهد گذاشت. یک عراق دموکراتیکی که در آن حقوق افراد محترم شمرده شود و آزادی مذهب تضمین شود عراقی که در آن تساهل و رفاه با هم همراه شوند موفقیت حکومت روحانیت در ایران را متزلزل کرده و به سقوط آن کمک می کند.

۶- هدف بعدی؟

آیا هدف بعدی آمریکا بعد از عراق، ایران خواهد بود؟ کمال خرازی وزیر امور خارجه ج.ا.ایران در جواب این سؤال می گوید: «تفاوتهای عظیمی بین ایران و عراق وجود دارد. در ایران دموکراسی

هست و مردم رأی می دهند و نظر خود را ابراز می دارند، حکومت به وسیله مردم حمایت می شود در حالی که عراق صدام حسین، عراقی دیکتاتوری است. به علاوه ایران در عرصه بین المللی، کشوری مسئول است. با کشورهای همسایه اش دارای روابط خوبی است و این هم واقعیت دارد که مباحث و اختلافاتی بین تهران و واشینگتن به چشم می خورد.» در این استدلال که با سوءنیت و ساده لوحی زیرکانه همراه است، مسئول ایرانی احتمال دخالت نظامی آمریکا در ایران را رد می کند.

تعداد اتهاماتی که از سوی آمریکا علیه عراق مطرح شده اند (گسترش سلاحهای کشتار جمعی، حمایت از تروریسم و مخالفت با روند صلح خاورمیانه) تماماً بر علیه ایران نیز صادر شده است؛ اگر چه از بعضی جهات موقعیت یا وضعیت این کشور به روشنی با وضعیتی که بر عراق صدام حسین حاکم بود، تفاوت دارد. از منظر حقوق بین الملل در پی جنگ کویت، جامعه بین المللی راههای بسیاری برای رفع مناقشه تنظیم کرد که بغداد نه در نظر و نه در عمل حقیقتاً برای آنها احترامی قائل نشد و هیچ مورد مشابه آن برای ایران یافت نمی شود. در حوزه سیاست بین الملل نیز عراق به عنوان مسئول و بانی شروع دو جنگ با همسایگان خود شناخته شده است. موردی که نمی توان به ایران نسبت داد (به خاطر آن ایران را سرزنش کرد)، بر عکس ایران خود یکی از قربانیان رفتار خصمانه ی

دیکتاتور عراق است. علاوه بر این، در ایران تحرکاتی در اعتراض به حاکمیت موجود وجود دارد که عراق فاقد آن بود. دخالت خارجی می تواند تأثیری منفی بر آن بگذارد. به تمامی این دلایل، باید «ملاحظات عملی» را افزود که می توانند ایالات متحده را از اقدام نظامی بر علیه ایران منصرف کند. بزرگی و وسعت ایران که سه برابر عراق بزرگ تر و پرجمعیت تر می باشد، آمریکاییها را وادار می کند تا به دقت نتایج تصمیماتشان را بسنجند. حتی برای کشور قدرتمندی همچون آمریکا، یک لشکرکشی جدید، در حالی که ثبات و امنیت هنوز در افغانستان برقرار نشده است و عراق هنوز در آشوب به سر می برد، بسیار خطرناک و پرمخاطره است.

۷- چشم اندازها

جمهوری اسلامی ایران که رسماً مخالف جنگ عراق بود، به محض آغاز درگیریها در ۲۰ مارس ۲۰۰۳، «بی طرفی فعال»^{۱۵} خود را اعلام کرد. تا سه هفته بعد از آغاز جنگ، همین خط مشی را مبنای سیاست خود قرار داد. به این ترتیب، از هرگونه دخالتی در جریان جنگ اجتناب کرد.

با این همه، ایران از نظر سیاسی یکی از مهم ترین کشورهای مسلمان در دنیاست. اگر آمریکا به دنبال تغییر عمیق در روابط «ساختار قدرتها» در خاورمیانه است نمی تواند از حفظ «وضع موجود» در این کشور راضی باشد. ایران تنها کشوری است که یک انقلاب اسلامی را به ثمر رسانده و این انقلاب بیشتر از دو دهه است بر مجموعه جریانهای اسلامی در دنیا تأثیر به سزایی گذاشته و به آنها نیرو بخشیده است. اما در ایران امروز، دانشجویان دست به اعتراض می زنند و روزنامه نگاران در زندانها به سر می برند. اگر لازم است که به مردم [...] کمک کرد؛ این کمک نباید به عملیات نظامی خلاصه

15. La Neutralite' Active

16. Mujahedin-e Khalq Organization (MKO)

است که مجاهدین، در سالهای ۱۹۷۰، بسیاری از نظامیان آمریکایی را که در ارتش ایران کار می کردند، به قتل رساندند. از جمله در عملیات گروگان گیری در سفارت آمریکا در ۱۹۷۹، قبل از جداسدن از آیت الله خمینی و قبل از اینکه در طول جنگ ایران و عراق به خدمت صدام حسین در آینده دخالت مستقیم داشتند. دهم ماه مه ۲۰۰۳ چرخش یا تغییر ناگهانی در سیاست آمریکا در قبال سازمان مجاهدین خلق صورت می گیرد و واشینگتن تصمیم به انعقاد پیمان خلع سلاح با مجاهدین می گیرد. از فردای امضای این پیمان، مجاهدین سلاحها و افراد خود را آماده می کنند تا تحت کنترل و فرماندهی آمریکا قرار گیرند. چرا چرخش صدو هشتاد درجه ای؟ آیا این اقدام در پی توافق پنهانی (ضمنی) با جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است؟ آیا ایالات متحده متوجه تأثیرات منفی سیاست قبلی خود روی افکار عمومی مردم ایران شده است؟ و یا اینکه پی برده اند که ۵۰۰۰ نیروی سازمان مجاهدین، از این به بعد تنها نیروی مسلح سازماندهی شده در عراق به همراه نیروهای «ائتلاف»^{۱۹} است.

۲۳ آوریل ۲۰۰۳، سخنگوی کاخ سفید به ایران هشدار داد و خاطر نشان ساخت که ایالات متحده هیچ گونه مداخله خارجی را برای استقرار یک حکومت دموکراتیک در عراق، نخواهد پذیرفت. چند روز بعد از آن بود که نیروهای آمریکایی، پیمان آتش بس را با سازمان مجاهدین خلق امضاء کردند. که به آنها اجازه می داد که در مقابل حملات گروههایی که از طرف تهران حمایت می شوند از خود دفاع کنند. به این ترتیب آمریکا که تهران را به مداخله در اوضاع جاری عراق متهم کرده بود، فشار بر ایران را تداوم بخشید. اما این اقدام آمریکا - که خود مجاهدین را در لیست سازمانهای تروریستی قرار داده بود و برای مشروعیت بخشیدن به جنگ با صدام حسین به مبارزه با تروریسم استناد کرده بود - حرکتی ظریف و ماهرانه بود.^{۱۸}

آنچه که بسیار عجیب تر به نظر می رسد این

۱۷. شواهدی بعدی، نادرستی ادعا مطرح شده را نشان داد (م).

۱۸. که در واقع باید گفت بسیار فرصت طلبانه بود (م).

19. La Coalition

20. Le Prisme Irakien

تصور است: حالت اول «استراتژی تنش»^{۲۱} می‌باشد که معرف رادیکال‌ترین گرایشهای در درون ایران است. این استراتژی عبارت است از استفاده‌ی تا حد امکان از گروههای شیعی طرفدار ایران جهت به وجود آوردن بیشترین گرفتاریها و مشکلات برای آمریکاییها و جلوگیری از برقراری وضعیت ثبات در عراق. اما استفاده‌ی سیستماتیک ایران از قدرت عمل خود برای آزار و اذیت آمریکا، خیلی زود می‌تواند خطرناک جلوه کند. ایالات متحده می‌تواند فشارهای سیاسی و اقتصادی خود را علیه ایران افزایش داده و یا بعضی اقدامات اساسی را در دستور کار خود قرار دهد. برای مثال اقدام به نابودی مراکز یا تأسیسات هسته‌ای ایران که اکنون در حال فعالیت هستند.

به صورت بنیادین، حاضر به تغییر بسیاری از دیدگاههای سیاسی خود باشد. (جهت‌گیریهای سیاسی خود را در عرصه سیاست خارجی تغییر بدهد) اگر چه وجود «همکاری پنهانی»^{۲۴} بین تهران و واشینگتن بر سر مسئله عراق، کاملاً منتفی نیست، اما این مسئله نمی‌تواند لزوماً نزدیکی واقعی روابط دو کشور که دارای اختلافات بسیاری هستند به همراه داشته باشد. بنابراین، بایستی، مشکل روابط دو طرفه تهران و واشینگتن را از همکاری ممکن بین دو کشور در بحران عراق، جدا کرد.

تنها فرضیه‌ی باقی مانده (حالت سوم) «سوء نیت»^{۲۵} است. که به ایران اجازه می‌دهد طبق عادت، هم زمان در بسیاری از حوزه‌ها فعالیت کرده و آرزو نماید زمان به نفع آنها پیش برود. این سیاست براساس یک اصل پی‌ریزی شده است: آمریکا در عراق گرفتار خواهد شد و زمان رو کردن برگ برنده و ایفای نقش مقامات محافظه‌کار تهران، کاملاً مخالف چنین رویکردی باشند. به ویژه که بسیاری از اصلاح‌طلبان از این گرایش حمایت می‌کنند.

حالت دوم، رویکردی «آشتی طلبانه»^{۲۲} است که خواهان آغاز عادی‌سازی روابط تهران و واشینگتن می‌باشد. به نظر نمی‌رسد گرایش مقامات محافظه‌کار تهران، کاملاً مخالف چنین رویکردی باشند. به ویژه که بسیاری از اصلاح‌طلبان از این گرایش حمایت می‌کنند. بدین منظور، لازم است «سنت آمریکاستیزی»^{۲۳} که اساس کسب قدرت و وجهه‌ی مثبت ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران تا به حال است، کنار گذاشته شود. این عمل، می‌تواند به آتش اختلاف در ایران دامن بزند اما به نظر نمی‌رسد، آمریکا حاضر به تقبل کم‌ترین هزینه در بررسی رابطه با ایران باشد؛ بدون اینکه ایران

21. La Stratégie de Tension
22. L'a PProche Conciliatrice
23. L'anti - Ame'ricanisme militant
24. Ladiscr'ete Collaboration
25. L'attentisme

Mondiales tandis que l'Irak n'en détient que %2/1

5- Théorie du "gouvernement du docteur de la loi", inspirée par R.Khomeiny, et affirmant la primauté Politique de la plus haute autorité religieuse du pays (NDLTR)

6- Voir à Ce Propos: N. Bozorgmehr, "Ancient Iraqi shia Center lure Clerics", **Financial Times**, 7 Mai 2003; S. Mervin, "A l'école des Chiites d'Irak", *Libération*, 8 mai 2003; A. Moaveni, "Vers un Chiisme modéré", **Courrier International**, n 651, 24-29 avril 2003, p.50.

7- Voir B. philip, "L'Iran observeavec appréhension l'émergence de Ce nouveau Chiisme", **Le Monde** 18 Juin 2003.

8- Voir G. Anquetil, **le Nouvel Observateur**, 13-23 avril 2003.

9- Propos recueillis Par A.Bassir Pour, **le Monde**, 25 avril 2003.

10- **le Monde**, 10 avril 2003.

11- Sur l'évolution des Rapports irano - Américains durant et Immédiatement Après le Conflit, Voir E. J. lake, "Iran's Plans For Iraq", **The New Republic**, 21-28 Avril 2003, p. 20-22.

12- **le Monde**, 22 Mars 2003.

13- Dérivé de Achara, Qui Signifie "din", l'Achoura Correspond au dixième Jour du Mois de Muharram, Premier Mois de l'année Musulmane Lunaire. Jeûne, Fete et Commémorations Marquent Ce Jour (NDIR).

14- **Associated Press**, 29 avril 2003, <<http://fr.news.yahoo.com/030429/5/368Zg.html>>. Voir aussi *Libération*, 6 mai 2003.

15- Voir, à Ce Propos, *The Economist*, 3 mai 2003. p. 39-40.

تحقق یافت و دومی در آینده نمودار خواهد شد. دیگران که واقع بین تر هستند فکر می کنند که آمریکا دیر یا زود عراق را ترک خواهد کرد و ایران پشت درهای این کشور همواره منتظر خواهد بود. تهران در هر حال، زمان لازم برای اجرای اهداف خود را خواهد داشت. هر دو گروه یک مسئله را فراموش می کنند. آمریکای پس از ۱۱ سپتامبر و آمریکای جرج بوش، ایالات متحده ی جیمی کارتر نیست که به وسیله آیت الله خمینی [ره] تحقیر و سرافکنده شد و حتی موقعیت داخلی ایران نیز وضعیت سالهای ۱۹۸۰ نیست. اینها دو فاکتوری هستند که قدرت و حوزه ی مانور ایران را به شدت محدود می کنند.

پانوشتها

1- P -J.Luizard, **La Question Irakienne**, Paris, Fayard, 2002, p.235.

2- Pour Une étude récente Sur Le Chiisme, **Voir J.Cole Sacred Space and Holy War: The Politics, Culture and History of Shiite Islam**, Londres, I>B Tauris, 2002.

3- Voir S.Chubin et R.S.Litwak, "Debating Iran's Nuclear Aspirations", **The Washington Quarterly**, automne 2005, P- 99- 114.

4- Les réserves Prouvées de pétrole iranien étaient estimées, en 2000, à %8/6 des réserves Mondiales et Celles de l'Irak à %10/8 En Ce qui Concerne les réserve prouvées de gas, l'Iran a un avantge net sur l'Irak: il Possède %15/7 des réserves